

نقد و تحلیل کتاب

Public Finance and Public Policy

محمدجواد شریف‌زاده*

چکیده

بحث درباره جایگاه مطلوب بخش عمومی (دولت) در اقتصاد از دیرباز مورد توجه مکاتب گوناگون فکری قرار داشته و به علت اهمیت وافر وارد برنامه‌های رسمی دانشگاه‌ها در سراسر جهان شده است. هدف در این مقاله تحلیل و نقد کتاب درسی *مالیه عمومی و سیاست عمومی* تألیف جانانان گرویر است که از جدیدترین کتاب‌های درسی این حوزه به‌شمار می‌رود و هم‌اکنون در تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های مطرح جهان به‌عنوان کتاب درسی اصلی اقتصاد بخش عمومی تدریس می‌شود. از نقاط قوت این کتاب می‌توان به رعایت استانداردهای صوری تألیف کتاب‌های درسی، به‌روزی بودن اثر، تأکید قابل ملاحظه بر موضوعات کاربردی و مطالعات تجربی، نظم منطقی حاکم بر کتاب، بیان سلیس مؤلف، و گستره منابع مورد استفاده در تدوین کتاب اشاره کرد. با این حال، این کتاب نقاط ضعف مهمی نیز دارد. از جمله این نقاط باید به تأکید بیش از حد بر رویکرد اقتصاد رفاه پارتویی و بی‌توجهی به رویکردهای بدیل مانند رویکرد رالز و آمارتیا سن، فقدان رویکرد تاریخی، توجه نکردن به نظریات اقتصاددانان غیرلیبرال مانند اقتصاددانان سوسیالیست، ذکر نکردن مباحث مرتبط با مالیه عمومی در کشورهای در حال توسعه، و کم‌توجهی به برخی مباحث علمی جدید مانند مالیه عمومی رفتاری یا نظریه بازی‌ها اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد بخش عمومی، مالیه عمومی، سیاست عمومی، آموزش اقتصاد، جانانان گرویر.

۱. مقدمه

کاوش درباره جایگاه مطلوب بخش عمومی (دولت) در اقتصاد از دیرباز مورد توجه مکاتب گوناگون فکری قرار داشته و هر مکتب به فراخور مبانی فلسفی و دریافت‌های ارزشی خویش، موضع خود را در این باب بسط و توسعه داده است. به علاوه، اهمیت وافر موضوع باعث ورود آن به برنامه‌های رسمی دانشگاه‌ها در سراسر جهان شده است. به گونه‌ای که امروز کم‌تر دانشگاهی را می‌توان یافت که در برنامه درسی رشته‌های علوم اقتصادی، مدیریت دولتی، یا حقوق درس یا دروسی با عنوان مالیه عمومی (public finance) یا اقتصاد بخش عمومی (economics of the public sector) تعبیه نشده باشد. در برنامه درسی دانشگاه‌های ایران نیز از دیرباز دروس مذکور مورد توجه قرار داشته است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر دروس مرتبط با مالیه عمومی و اقتصاد بخش عمومی در برنامه درسی رشته‌های علوم اقتصادی، مدیریت دولتی، و حقوق عمومی دیده می‌شود. از همین رو، تنظیم سرفصل‌های درسی مورد نیاز دانشجویان و نیز تألیف یا ترجمه کتاب‌های درسی مناسب همواره مورد توجه برنامه‌ریزان درسی و مدرسان و اساتید این حوزه قرار دارد.

هدف در این مقاله تحلیل و نقد کتاب درسی *Public Finance and Public Policy* (مالیه عمومی و سیاست عمومی) تألیف جاناتان گروبر (Jonathan Gruber) است که اولین ویرایش آن در سال ۲۰۰۴ میلادی منتشر شد (Gruber 2004) و به تبع، از جدیدترین کتاب‌های درسی این حوزه به‌شمار می‌رود. کتاب مذکور هم‌اکنون در تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های مطرح جهان به‌عنوان کتاب درسی اصلی اقتصاد بخش عمومی یا مالیه عمومی تدریس می‌شود. در ایران نیز این کتاب — این کتاب هنوز به فارسی ترجمه نشده است — از ابتدای انتشار مورد توجه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که برخی از مدرسان دانشگاهی، از جمله مؤلف مقاله حاضر، از سال ۱۳۸۷ شمسی تاکنون از کتاب گروبر به‌عنوان منبع اصلی درس اقتصاد بخش عمومی استفاده می‌کنند. از همین رو، انتظار می‌رود معرفی، ارزیابی، و نقد این کتاب درسی مهم، که موضوع اصلی این مقاله است، برای جامعه علمی ایران مفید باشد.

سازمان‌دهی بخش‌های بعدی مقاله به شرح زیر خواهد بود. در بخش دوم ابتدا معرفی کلی اثر و مؤلف انجام خواهد شد. بخش سوم، به تحلیل بیرونی و معرفی جایگاه اثر در میان کتاب‌های درسی مالیه عمومی اختصاص خواهد داشت. در بخش چهارم، تحلیل درونی اثر و بررسی خاستگاه فکری آن انجام می‌گیرد. نقد و ارزیابی اثر موضوع بخش پنجم مقاله خواهد بود. سرانجام در بخش پایانی نتیجه‌گیری مقاله و پیش‌نهادها بیان خواهد شد.

۲. معرفی کلی مؤلف و اثر

جانانان گروبر استاد گروه اقتصاد انستیتو فناوری ماساچوست (MIT) و از برجسته‌ترین صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد سلامت است. هم‌چنین، او مسئولیت برنامه اقتصاد سلامت را در اداره ملی تحقیقات اقتصادی ایالات متحده (National Bureau of Economic Research) و ریاست انتخابی انجمن اقتصاددانان سلامت آمریکا را برعهده دارد. از او تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله تحقیقی در مجلات معتبر علمی منتشر شده است. مهم‌ترین کتاب‌های تألیفی او شامل کتاب *درسی مالیه عمومی و سیاست عمومی* و نیز کتاب *برنامه‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی در جهان: دلالت‌های مالی اصلاحات* (مشترک با دیوید وایز) (Gruber and Wise 2009) است که هر دو کتاب موردتوجه جامعه علمی قرار گرفته است. گروبر علاوه بر سمت‌های آموزشی و پژوهشی نقش مؤثر و انکارناپذیری در سیاست‌گذاری عمومی به‌ویژه در حوزه سیاست‌های اقتصاد سلامت داشته است. به‌گونه‌ای که از او به‌عنوان یکی از طراحان اصلی برنامه اصلاح نظام سلامت ایالت ماساچوست و نیز مشاور کلیدی طرح تحول نظام سلامت دولت اواما یاد می‌شود.

ویرایش چهارم کتاب *مالیه عمومی و سیاست عمومی* گروبر در ۷۷۶ صفحه منتشر شده و از چهار بخش و ۲۵ فصل تشکیل شده است (Gruber 2012).^۱ عنوان بخش اول کتاب مقدمه و پیش‌زمینه است. این بخش متشکل بر فصول یک تا چهار کتاب است. مؤلف در این چهار فصل به‌ترتیب دلیل مطالعه مالیه عمومی، ابزارهای نظری در مالیه عمومی، ابزارهای تجربی در مالیه عمومی، و درنهایت، تحلیل بودجه و تأمین مالی کسر بودجه را بررسی کرده است. بخش دوم کتاب آثار جانبی و کالاهای عمومی نام دارد. در این بخش که مشتمل بر فصول پنج تا یازده است به‌ترتیب آثار جانبی (مشکلات و راه‌حل‌ها)، آثار جانبی در عمل، آثار جانبی زیست‌محیطی و بهداشتی، کالاهای عمومی، تحلیل هزینه‌فایده، اقتصاد سیاسی، مخارج دولت‌های ایالتی و محلی، و نیز آموزش موردبحث قرار گرفته است.

در بخش سوم از بیمه اجتماعی و بازتوزیع سخن گفته شده است. در این بخش که مشتمل بر فصول دوازده تا هفده کتاب است به‌ترتیب بیمه اجتماعی شامل عنوان‌های کارکرد جدید دولت، تأمین اجتماعی، بیمه بی‌کاری، از کارافتادگی و غرامت دست‌مزد، بیمه سلامت شامل عنوان‌های اقتصاد سلامت و بیمه خصوصی سلامت، بیمه سلامت، بیمه‌های سلامت در ایالات متحده آمریکا، و نهایتاً، توزیع درآمد و برنامه‌های حمایتی بررسی شده است. بخش چهارم کتاب مالیات‌ستانی در نظر و عمل نام گرفته است. مؤلف در فصول هجده تا

۲۵ کتاب به ترتیب مالیات‌ستانی در ایالات متحده و سایر کشورهای جهان، دلالت‌های مرتبط با انصاف مالیاتی شامل بخش‌های اصابت مالیات، ناکارایی‌های مالیاتی و دلالت‌های آن برای مالیات‌ستانی بهینه، مالیات بر عرضه نیروی کار، مالیات بر پس‌انداز، مالیات بر ریسک‌پذیری و ثروت، مالیات‌ستانی از شرکت‌ها و اصلاح بنیادین نظام مالیاتی را مورد بحث قرار داده است.

از نظر مؤلفه‌های جامعیت صوری کتاب گروبر استانداردهای کتاب درسی دوره کارشناسی را به خوبی داراست. کتاب علاوه بر پیش‌گفتار دارای فهرست اجمالی و نیز فهرست تفصیلی است. هر فصل مشتمل بر مقدمه و نتیجه‌گیری است. نکته جالب آن که مؤلف هر فصل را با بیان یک یا چند مثال یا موضوع کاربردی مرتبط آغاز می‌کند. برای مثال، فصل هفتم که به موضوع کالاهای عمومی، مسئله سواری مجانی، و دیگر مشکلات مربوط به عرضه بهینه کالای عمومی اختصاص دارد با مثال مسئله جمع‌آوری زباله در داکا پایتخت بنگلادش آغاز شده است. بر همین سیاق، فصل نهم کتاب که اقتصاد سیاسی نام دارد با بیان مناقشات مرتبط با ساخت دو پل بسیار پرهزینه در دو منطقه بسیار کم‌جمعیت در ایالت آلاسکا با اعمال نفوذ صریح دان یانگ نماینده آن ایالت در مجلس نمایندگان امریکا آغاز می‌شود که در آن زمان رئیس کمیسیون حمل و نقل و امور زیربنایی مجلس مذکور بوده است. نویسنده به تناسب موضوع در حد وسیعی از جدول‌ها و نمودارهای آماری استفاده کرده است. ضمن آن که در هر فصل با حداقل دو جعبه یک یا چند صفحه‌ای مواجه هستیم که به جنبه‌های کاربردی آن فصل اشاره دارد. بخش پایانی هر فصل به خلاصه مطالب آن فصل و تمرینات اختصاص یافته است. جالب آن که نویسنده تمرینات پایان هر فصل را به دو بخش تمرینات ساده و تمرینات پیشرفته (که بیش تر جنبه ریاضیاتی دارد) تقسیم کرده است. به علاوه، در پایان کتاب گروبر لغت‌نامه (مشتمل بر تعریف اجمالی لغات و اصطلاحات مهم)، فهرست منابع و مأخذ، و نیز نمایه اشخاص و موضوعات تعبیه شده است. در کنار همه این موارد چاپ تمام‌رنگی، صفحه‌آرایی مناسب، و صحافی قابل قبول نیز بر حسن کار افزوده است. علاوه بر موارد فوق، انبوهی از ابزارهای کمک‌آموزشی از جمله فایل‌های پرده‌نگار هر فصل نیز از طریق سایت کتاب در اختیار اساتید و دانشجویان قرار داده شده است.

۳. تحلیل بیرونی و جایگاه اثر

کتاب درسی *مالیه عمومی و سیاست عمومی* گروبر را می‌توان از موفق‌ترین کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی در دوره کارشناسی دانست که پس از انتشار ویرایش اول در

مدت کوتاهی توانست در کنار رقبای مهم و پرسابقه مانند ویرایش سوم کتاب *درسی اقتصاد* بخش عمومی جوزف استیگلیتز (Stiglitz 2000) و ویرایش ششم کتاب *مالیه عمومی* هاروی روزن (Rosen 2002) عرض اندام کند و جایگاهی مناسب در برنامه درسی دانشگاه‌های معتبر به دست آورد.

در مقایسه با کتاب‌های درسی رقیب — به ویژه کتاب *اقتصاد بخش عمومی* استیگلیتز به عنوان مهم‌ترین رقیب — به نظر می‌رسد چند عامل در موفقیت کتاب گروبر نقش داشته است. عامل اول روزبودن اثر است. در حالی که عمده کتاب‌های رقیب از جمله کتاب استیگلیتز پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی نگارش یافته بود و ویرایش‌های جدیدتر آن‌ها عمدتاً شامل تغییرات جزئی در ساختار کتاب می‌شد کتاب گروبر نگارش جدیدتر و روزآمدتری داشت. برای مثال، با مراجعه به ویرایش جدید کتاب *اقتصاد بخش عمومی* استیگلیتز که پس از پانزده سال و با همکاری جی. روزنگارد انتشار یافته است مشاهده می‌کنیم ساختار کتاب تحول چندانی نیافته و تغییرات انجام شده بسیار کم‌تر از آن چیزی است که مورد انتظار بوده است (Stiglitz and Rosengard 2015). این در حالی است که اولین ویرایش کتاب گروبر مربوط به سال ۲۰۰۴ میلادی و آخرین ویرایش آن (ویرایش پنجم) مربوط به سال ۲۰۱۶ میلادی است.

عامل دوم، شیوه تدوین خاص کتاب گروبر و تأکید قابل ملاحظه او بر موضوعات کاربردی و مطالعات تجربی است. گروبر هر فصل را با ذکر یک مثال از دنیای واقعی آغاز می‌کند تا مخاطب خود را با اهمیت و جنبه کاربردی موضوع آشنا کند. پس از آن الگوهای نظری و تئوری‌های مرتبط با موضوع مرور می‌شود و در مرحله بعد طیف وسیعی از مطالعات تجربی انجام گرفته و ارتباط آن‌ها با نظریه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تأکید گروبر بر مطالعات تجربی به حدی است که می‌توان ادعا کرد کم‌تر کتاب درسی *مالیه عمومی* در سطح کارشناسی تا به این حد به مطالعات تجربی اهمیت داده است. مهم‌ترین شاهد بر صحت این ادعا اختصاص فصل سوم کتاب به معرفی ابزارهای تجربی مورد استفاده در مطالعات *مالیه عمومی* است تا خواننده بتواند از طیف وسیع مطالعات تجربی مورد اشاره در کتاب بهره‌برد.

عامل سوم، نظم منطقی حاکم بر کتاب است. کتاب در چهار بخش شامل مباحث مقدماتی و پیش‌زمینه‌ها، آثار جانبی و کالاهای عمومی، بیمه‌های اجتماعی، و مالیات‌ها تنظیم شده است. مؤلف در هر بخش اهم موضوعات مرتبط را در قالب فصول جداگانه تدوین کرده است و در اختیار مخاطب قرار داده است. یکی از بهترین مثال‌ها برای نظم منطقی

کتاب نحوه تدوین فصول بخش سوم کتاب (بیمه‌های اجتماعی) است. مؤلف در فصل نخست این بخش (فصل دوازدهم کتاب) مباحث نظری مربوط به بیمه را به‌طور عام و بیمه‌های اجتماعی را به‌طور خاص مورد بحث قرار می‌دهد. اشاره به مسئله عدم تقارن اطلاعات و مشکلات ناشی از کژگزینی و کژمنشی بخش مهمی از محتوای این فصل را تشکیل داده است. گروبر آن‌گاه در فصل سیزدهم کتاب تأمین اجتماعی را (که در ایالات متحده آمریکا بر بیمه‌های بازنشستگی اطلاق می‌شود) به‌عنوان مهم‌ترین مصداق بیمه‌های اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. در این فصل نیز او ابتدا ضمن معرفی نظام بیمه بازنشستگی در ایالات متحده به ضرورت دخالت دولت در این حوزه اشاره می‌کند و سپس، نتایج مطالعات تجربی را در مورد مهم‌ترین موضوعات تحقیقی این حوزه از جمله تأثیر بیمه‌های بازنشستگی در پس‌انداز بخش خصوصی و هموارکردن مصرف و نیز تأثیر آن در تصمیم افراد به تداوم حضور در بازار کار یا درخواست بازنشستگی مرور می‌کند. گروبر در انتهای این فصل به مناقشات مربوط به اصلاح نظام بازنشستگی در ایالات متحده و پیشنهادهای مطرح در این مجال می‌پردازد. فصل چهاردهم کتاب به موضوع بیمه بی‌کاری، از کارافتادگی، و غرامت دست‌مزد اختصاص دارد. گروبر در فصول پانزدهم و شانزدهم کتاب مباحث نظری و کاربردی بیمه‌های سلامت و در فصل هفدهم مسئله توزیع درآمد و سیاست‌های رفاهی را مورد بحث قرار داده است.

عامل چهارم، بیان سلیس مؤلف به‌ویژه در بخش‌هایی از اقتصاد بخش عمومی است که دانشجویان به‌طور معمول در فهم و هضم مطالب دچار دشواری و صعوبت می‌شوند. اساتید اقتصاد بخش عمومی به‌خوبی می‌دانند که یکی از دشوارترین سرفصل‌های این درس هم از نظر مدرس و هم از نظر دانشجو، مباحث مرتبط با انتخاب جمعی (collective choice) به‌ویژه قضیه عدم امکان ارو (Arrow's impossibility theorem) است. گروبر توانسته است با نظم منطقی و بیان شیوا به‌نحو مناسب از عهده تنظیم فصل نهم کتاب که به همین مبحث اختصاص دارد برآید. به‌علاوه، مؤلف به‌منظور حفظ سادگی و روانی متن کوشیده است مباحث ریاضیاتی مربوط به هر فصل را به حداقل ممکن محدود سازد و در موارد مورد نیاز روابط ریاضیاتی را در قالب ضمیمه ریاضیاتی در پایان فصل جای دهد.

عامل پنجم، گستره منابع مورداستفاده در تدوین کتاب و ارجاعات متعددی است که به تحقیقات اخیر پژوهش‌گران اقتصاد بخش عمومی انجام گرفته است. باوجود آن‌که شاید ذکر تفصیلی منابع و مآخذ در کتاب‌های درسی چندان مرسوم نباشد، فهرست منابع و مآخذ ویرایش چهارم کتاب نشان می‌دهد که گروبر به بیش از پانصد پژوهش که بخش عمده آن‌ها

در مجلات معتبر بین‌المللی و در دو دههٔ منتهی به تألیف کتاب انتشار یافته است ارجاع داده است. طیف منابع مذکور حاصل تأکید جدی گروبر بر تقویت ابعاد کاربردی و تجربی کتاب است. تعداد منابع مورد اشاره و نیز تازگی آن‌ها به مراتب بر منابع مذکور در ویرایش سال ۲۰۱۵ میلادی کتاب *اقتصاد بخش عمومی* استیگلیتز و روزنگارد برتری دارد. از منظر دیگر، می‌توان ادعا کرد که اگرچه در تدوین کتاب‌های درسی نوآوری مؤلف چندان مدنظر نیست، اما گروبر توانسته است با طرح مباحث در قالب منظم و جدید و با تکیه بر طیف وسیعی از یافته‌های تجربی و تأکید بر نکات کاربردی اثری را پدید آورد که در مقایسه با سایر کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی از طراوت و تازگی خاصی بهره‌مند است.

۴. تحلیل درونی و خاستگاه فکری اثر

تفکر دربارهٔ نقش و وظیفهٔ شایستهٔ دولت‌ها در ادارهٔ جامعه به‌ویژه در عرصهٔ مالیهٔ عمومی سابقه‌ای به‌اندازهٔ سابقهٔ وجود دولت‌ها دارد. بسیاری از فیلسوفان اخلاق به هنگام بحث از سیاست مدن دربارهٔ وضع و اخذ مالیات‌ها و سایر امور دولت سخن گفته‌اند. از آن‌جا که مالیهٔ عمومی تا حد زیادی از باید و نبایدهای دولت بحث می‌کند ارتباط وثیقی با فلسفهٔ اخلاق و نیز فلسفهٔ سیاست دارد. این ارتباط به حدی است که بسیاری از اقتصاددانان پیش‌گام، از جمله اسمیت، هنگام بحث از وظایف و اختیارات دولت‌ها از همین منظر به بحث ورود کرده‌اند (Musgrave 1985). ارتباط مذکور به حدی است که می‌توان ادعا کرد تحولات و تطورات مالیهٔ عمومی تا حد زیادی منطبق با تحولات و تطورات فلسفهٔ اخلاق و فلسفهٔ سیاسی بوده است. برای مثال، با ظهور فلسفهٔ مطلوبیت‌گرا (فایده‌گرا) در میانهٔ قرن نوزدهم میلادی بخش زیادی از مباحث مالیهٔ عمومی و اقتصاد رفاه از این مکتب فلسفهٔ اخلاق تأثیر گرفت، به‌گونه‌ای که از آن با عنوان اقتصاد رفاه مطلوبیت‌گرا (فایده‌گرا) نام برده می‌شود. کتاب مشهور *اقتصاد رفاه* تألیف آرتور پیگو از مهم‌ترین کتاب‌های تألیف‌شده در دامنهٔ اقتصاد رفاه مطلوبیت‌گراست (Pigou 1920).

آنچه با قاطعیت می‌توان ادعا کرد آن است که قریب به اتفاق کتاب‌های درسی مالیهٔ عمومی و اقتصاد بخش عمومی در چهارچوب اقتصاد رفاه پارتویی نگاشته شده است و از مبانی فکری و فلسفی این مکتب اخلاقی تأثیر پذیرفته است. در توضیح باید گفت تعداد زیادی از اقتصاددانان کلاسیک تحت تأثیر فلسفهٔ اخلاق حقوق طبیعی و فلسفهٔ سیاسی جان لاک بودند؛ از همین رو، دخالت دولت در اقتصاد را چندان بر نمی‌تابیدند. آنان چنان‌که در

قاعده طلایی (Golden Maxim) ژان باتیست آمده بود اعتقاد داشتند بهترین برنامه مالیّه عمومی آن است که مخارج دولت کم‌ترین باشد و بهترین مالیات مالیاتی است که مقدار آن کم‌ترین مقدار ممکن باشد. به عبارت دیگر، بسیاری از اقتصاددانان انگلیسی قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، از جمله اسمیت و ریکاردو، اصالت را به بازار می‌دادند و برای بخش عمومی نقش استثنایی و حداقل قائل می‌شدند. البته در همان زمان اقتصاددانان آلمانی متأثر از فلسفه هگل (که دولت را «سرمایه غیرمادی / immaterial capital» می‌دانست) حق حیات یکسانی برای بازار و بخش عمومی در نظر می‌گرفتند (Musgrave 1985).

با توسعه فلسفه اخلاق مطلوبیت‌گرا (فایده‌گرا) در محافل علمی و نیز بر اثر تحولات اجتماعی و سیاسی دهه‌های میانی و پایانی قرن نوزدهم میلادی بسیاری از اقتصاددانان برجسته به نظریه مطلوبیت‌گرا روی آوردند. در مدت کوتاهی بخش مهمی از دانش اقتصاد متأثر از این مکتب فلسفی دچار تحول شد؛ توسعه اقتصاد رفاه مطلوبیت‌گرا نیز نتیجه طبیعی این تحولات بود. مطلوبیت‌گرایی مبنای روشنی را برای دخالت دولت در اقتصاد فراهم می‌آورد. در نگاه این مکتب هر سیاستی که پی‌آمد خوشی برای کل جامعه داشت و مطلوبیت کل را افزایش می‌داد مطلوب در نظر گرفته می‌شد. مطلوبیت‌گرایی به صراحت بازتوزیع درآمد را توصیه می‌کرد؛ چراکه با توجه به تفاوت مطلوبیت نهایی درآمد برای ثروت‌مندان و فقرا بازتوزیع درآمد می‌توانست به افزایش شادکامی و لذت در کل جامعه بینجامد (Hausman and McPherson 2006: Chapter 7).

با این حال، غلبه اقتصاد رفاه مطلوبیت‌گرا در مباحث مالیّه عمومی چندان دوام نیافت و با انتقادات سهمگین لیونل رابینز و دیگر اقتصاددانان متأثر از نهضت فکری پوزیتویسم منطقی قدرت بلامنازع خود را ازدست‌رفته دید (Robbins 1932; Robbins 1935). از نگاه منتقدان، پی‌گیری اقتصاد رفاه مطلوبیت‌گرا مستلزم مقیاس مطلوبیت افراد گوناگون (interpersonal comparison of utility) بود که نوعی داوری ارزشی و ازاین‌رو، غیرعلمی محسوب می‌شد. با کنارگذاشتن فلسفه اخلاق مطلوبیت‌گرا و اقتصاد رفاه برآمده از آن، به رویکردی جای‌گزین نیاز بود که بتواند مبنای انتخاب اجتماعی قرار گیرد و در عین حال، از انتقادات امثال رابینز برکنار باشد. اولین جای‌گزین استفاده از نظام رأی‌گیری (به‌ویژه رأی‌گیری مستقیم) بود. با این حال، انتشار مقالات مهم کنث ارو که برای اولین بار به شکل روشنی قضیه عدم امکان را مطرح می‌کرد این جای‌گزین را با چالش نظری عمیقی مواجه ساخت. بر اساس قضیه عدم امکان ارو هیچ روش رأی‌گیری‌ای وجود ندارد که از طریق آن

بتوان از ترجیحات فردی به تصمیم اجتماعی سازگاری رسید که هم‌زمان چند شرط مهم از جمله عدم دیکتاتوری، قلمرو نامحدود، استقلال شقوق نامرتب، و تعدی را برآورده سازد (Arrow 1951).

بدین ترتیب، از میانه قرن بیستم میلادی شرایط برای غلبه رویکرد پارتو در اقتصاد رفاه فراهم شد. براساس رویکرد پارتو، سیاستی قابل قبول بود که بتواند حداقل وضع یک نفر از افراد جامعه را بهبود بخشد بدون آن‌که وضع دیگران را بدتر کند. ساموئلسون در تثبیت این رویکرد در بخش نظری مالیه عمومی نقش مهمی ایفا کرد؛ چراکه توانست نظریه تقاضا برای کالاهای عمومی را در چهارچوب رویکرد پارتو توسعه دهد و شرط بهینه پارتو را در مورد کالاهای عمومی استخراج کند (Samuelson 1954; Samuelson 1955). ساموئلسون در این مدل فرض می‌کند داور بی‌طرفی در جامعه وجود دارد که از ترجیحات همه افراد آگاه است. او کالای عمومی را در حدی فراهم می‌کند که مجموع نرخ نهایی جانشینی مساوی نرخ نهایی تبدیل شود و بدین ترتیب، شرط کارآیی پارتویی در مورد کالاهای عمومی برقرار گردد. توسعه نظریه اقتصاد محیط زیست، نظریه کالاهای عمومی محلی، و نظریه فدرالیسم مالی که هم‌اکنون جایگاه مهمی در کتاب‌های درسی مالیه عمومی دارند تحت تأثیر همین سنت فکری انجام گرفت.

در کنار تحلیل‌های نظری، رویکرد پارتو باید در عمل نیز راه‌حلی را در اختیار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار می‌داد که قابل پیاده‌سازی باشد. مفهوم محوری موردپیش‌نهاد رویکرد پارتو مفهوم بهبود پارتو بود. در این چهارچوب اگر پروژه‌ای می‌توانست موجب بهبود پارتویی شود، بدین معنا که حداقل وضع یک نفر را بهبود بخشد بدون آن‌که وضع هیچ‌کس دیگر را بدتر کند، می‌توانست توسط دولت اجرا شود. چنین پروژه‌هایی بسیار محدود بود، چراکه اکثر پروژه‌ها و سیاست‌های دولت عده‌ای را منتفع و عده‌ای را متضرر می‌ساخت. از همین رو، هیکس و کالدور — اقتصاددانان برجسته میانه قرن بیستم میلادی — مفهوم بهبود بالقوه پارتویی را بسط دادند که براساس آن چنان‌چه انجام پروژه‌ای عده‌ای را منتفع و عده‌ای را متضرر می‌کند و باین حال نفع حاصل شده برای منتفعان بیش از زیان ایجادشده برای متضرران بود، پروژه از سوی دولت قابل اجرا بود (Hicks 1939; Kaldor 1939). توسعه روش‌های کمی مشهور به تحلیل هزینه — فایده عمومی حاصل مدل‌سازی مفهوم بهبود بالقوه پارتویی بود. تحلیل هزینه فایده عمومی از اوایل دهه در میان اقتصاددانان دهه ۱۹۷۰ میلادی به مبنای اصلی انتخاب پروژه‌های مخارج عمومی شناخته شد. هم‌اکنون در قریب به اتفاق کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی یک

فصل به موضوع تحلیل هزینه — فایده اختصاص دارد. در کتاب گروبر نیز فصل هشتم کتاب به این موضوع اختصاص یافته است.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی انتقادات مهم و قابل توجهی به رویکرد پارتو و کاربرد تحلیل هزینه — فایده در سیاست‌گذاری عمومی وارد شد. پی‌آمدگرایی، رفاه‌گرایی، فردگرایی، و تحویل‌گرایی از جمله ویژگی‌های این رویکرد بود که مورد انتقاد قرار داشت.^۲ به موازات این انتقادات از دهه ۱۹۷۰ میلادی رویکردهای بدیل به‌آرامی ظهور کرد. یکی از مشهورترین این رویکردها رویکرد جان رالز، استاد فلسفه اخلاق در دانشگاه هاروارد، بود. او دو اصل عدالت را با تکیه بر نظریه قراردادگرایی و با استفاده از مفهوم پرده جهل و وضع نخستین استخراج کرد. براساس نظریه رالز همه مواهب اولیه باید به تساوی توزیع شود، مگر آن‌که توزیع نابرابر هر یک از این خواسته‌ها یا همه آن‌ها به نفع کم‌نصیب‌ترین افراد جامعه باشد (Rawls 1971). رویکرد بدیل دیگر رویکرد قابلیت‌های آمارتیا سن است. به اعتقاد آمارتیا سن، سیاست عمومی باید معطوف به ارتقای قابلیت‌های افراد، بدون توجه به عملکرد آنان، باشد (Sen 1992). رویکرد دیگر که تا حد زیادی مکمل رویکرد سن به‌شمار می‌آید رویکرد مارتا ناسباوم است. او به شیوه‌ای متفاوت از آمارتیا سن به اهمیت قابلیت‌ها و لزوم محوریت آن در سیاست‌گذاری اجتماعی اشاره می‌کند. ناسباوم سپس با شمردن ده محور اساسی می‌کوشد فهرستی از قابلیت‌های اساسی هر انسان ارائه کند (Nussbaum 2001; Nussbaum 2003).

باتوجه به آنچه در سطور فوق آمد، انتقاد مهمی که به کتاب گروبر (و البته قریب به اتفاق کتاب‌های درسی مالیه عمومی و اقتصاد بخش عمومی به زبان انگلیسی و حتی کتاب‌های تألیف‌شده به زبان فارسی) وارد است ابتدای شدید بر رویکرد اقتصاد رفاه پارتویی و توجه جدی نداشتن به سایر رویکردهای رقیب نظیر رویکرد رالز یا رویکرد قابلیت‌های آمارتیا سن است. چنان‌که اشاره شد، مبادی و مفروضات اقتصاد رفاه پارتویی از جهات گوناگون مورد نقد و طرح اقتصاددانان و فیلسوفان اخلاق در مغرب‌زمین واقع شده است. به‌علاوه، از منظر تعالیم و ارزش‌های اسلامی نیز مبادی و مفروضات مکتب مذکور قابل نقد جدی است که بیان آن خارج از حیطه این مقاله است.

۵. نقد و ارزیابی اثر

کتاب *مالیه عمومی و سیاست عمومی* گروبر مانند همه کتاب‌های درسی از زوایای مختلف قابل نقد و ارزیابی است. باتوجه به کمبود مجال نقد کتاب حاضر را به پنج محور شامل

جامعیت اثر، میزان انطباق اثر با عنوان و فهرست، میزان انطباق با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، درجه انطباق با نیازهای علمی و کاربردی دانشجویان در جامعه امروز ایران، و انطباق اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محدود می‌کنیم. طبعاً، اثر مذکور از منظر پیش‌فرض‌ها و خاستگاه فکری نیز نیاز به نقد و ارزیابی دارد که چون در بخش پیش به تفصیل در این باره سخن گفته شد از تکرار آن صرف‌نظر می‌شود.

در محور اول (ارزیابی جامعیت اثر) می‌توان ادعا کرد کتاب گروبر در مقایسه با سرفصل‌های متداول در کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی از جامعیت مناسب بهره‌مند است. در توضیح مطلب باید گفت در حال حاضر، عموم کتاب‌های درسی جدید^۳ اقتصاد بخش عمومی از چهارچوب تقریباً یک‌سانی پی‌روی می‌کنند. به این ترتیب، که ابتدا در چند فصل اول کتاب دانش اقتصاد بخش عمومی معرفی شده است و نیز بر اهمیت وافر نقش دولت‌ها در اقتصاد معاصر تأکید می‌شود. سپس، مهم‌ترین نظریات مرتبط با ضرورت دخالت دولت در اقتصاد، از جمله قضایای اول و دوم اقتصاد رفاه بیان می‌شود و آن‌گاه چند فصل به بیان مصادیق شکست بازار از جمله کالاهای عمومی و آثار جانبی اختصاص می‌یابد. در مرحله بعد چندین فصل درباره مسئله بیمه‌های اجتماعی و توزیع درآمد سخن می‌گوید. به طور معمول، ثلث پایانی کتاب‌های درسی جدید اقتصاد بخش عمومی به مسئله مالیات‌ها از منظر نظریه و کاربرد اختصاص می‌یابد. کتاب گروبر از این منظر وضعیت قابل قبولی دارد. در عین حال شایان ذکر است که هریک از نویسندگان کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی بنابه سلیقه خود به برخی سرفصل‌ها اهمیت بیش‌تری می‌دهند و بعضاً یک فصل خاص را به آن سرفصل اختصاص می‌دهند. برای مثال، در کتاب استیگلیتز و روزنگارد یک فصل خاص (فصل دوازدهم) به مسئله دفاع، تحقیقات و فناوری اختصاص دارد (Stiglitz and Rosengard 2015) یا در کتاب گایر و روزن فصل سیزدهم به مسئله کمک‌های دولت به فقرا اختصاص یافته است (Gayer and Rosen 2013)؛ در حالی که در کتاب گروبر چنین فصل‌هایی وجود ندارد. در مقابل، در کتاب گروبر نیز فصل خاص (فصل ششم) درباره آثار جانبی زیست‌محیطی و بهداشتی تعبیه شده است که چنین فصلی در دو کتاب درسی فوق‌الذکر مشاهده نمی‌شود.

باین حال، از زاویه دیگری نیز می‌توان جامعیت اثر گروبر را نقد و ارزیابی کرد.^۴ کتاب‌های مذکور فاقد رویکرد تاریخی هستند و عموماً از بیان سیر تطور نظریه مالیات عمومی خودداری می‌کنند. به علاوه، فقدان رویکرد تاریخی باعث شده است مؤلفان مذکور حتی از ذکر ایده‌ها و نظریات اقتصاددانان غیرلیبرال مانند اقتصاددانان

سوسیالیست — مارکسیست و نیز اقتصاددانان محافظه‌کار درباره نقش دولت در اقتصاد سرمایه‌داری صرف نظر کنند.^۵ به علاوه، حتی بخش مهمی از مباحث و مشاجرات صورت گرفته در میان اقتصاددانان نحله‌های لیبرال نیز مورد غفلت واقع می‌شود. اگر تاریخ مباحث مالیه عمومی^۶ را مدنظر قرار دهیم، به طیف وسیعی از این موضوعات از جمله مشاجرات معروف صاحب‌نظران مالیه عمومی و انتخاب عمومی^۷ یا مشاجرات انجام گرفته درباره عدالت مالیاتی برمی‌خوریم که عموماً در کتاب‌های درسی جدید حسب اهمیت موضوع مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. علاوه بر موضوعات تاریخی برخی مباحث علمی مطرح شده در سه دهه اخیر از جمله مالیه عمومی رفتاری، مسئله دولت در اقتصادهای در حال گذار، و نیز مدل‌های مبتنی بر نظریه بازی‌ها در عموم کتاب‌های درسی مقطع کارشناسی از جمله در کتاب گروبر غایب است. هرچند ردپای برخی از این موضوعات جدید را می‌توان در کتاب‌های جدید التالیف مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مانند کتاب هیندریکس و مایلز یافت (Hindriks and Myles 2013).

محور دوم میزان انطباق اثر با عنوان و فهرست است که در مجموع می‌توان ادعا کرد کتاب گروبر نمره مناسبی دریافت می‌کند. اگرچه برخی از نویسندگان معاصر مانند استیگلیتز عنوان اقتصاد بخش عمومی را برای کتاب خود انتخاب کرده‌اند، گروبر از عنوان مالیه عمومی و سیاست عمومی استفاده کرده است. با این‌که عنوان مالیه عمومی قدمت بیش‌تری در تاریخ اندیشه اقتصادی دارد، اما مخاطب عام را بیش‌تر به یاد ابعاد درآمدی و هزینه‌ای اقدامات دولت می‌اندازد؛ در حالی که امروزه دخالت‌های دولت در اقتصاد صرفاً جنبه درآمد و هزینه ندارد و طیف وسیعی از مقررات‌گذاری‌ها و تنظیم‌گری‌ها را دربرمی‌گیرد. از همین رو، گروبر کوشیده است در تکمیل عنوان مالیه عمومی از اصطلاح سیاست عمومی نیز کمک گیرد تا در عنوان کتاب تاحدی به ابعاد غیرمالی دخالت دولت در اقتصاد نیز اشاره کرده باشد. هرچند ممکن است این نکته مطرح شود که سیاست عمومی منحصر به عرصه اقتصاد نیست و از این باب عنوان سیاست عمومی بسیار فراتر از محتوای کتاب گروبر است. از نظر انطباق فهرست فصول، به نظر می‌رسد که در بخش زیادی از فصول محتوای فصل با عنوان آن هم‌سو و هم‌جهت است؛ با این حال، در برخی موارد انتظار مخاطب از عنوان فصل به‌طور کامل برآورده نمی‌شود. برای مثال، در فصل هفدهم که به توزیع درآمد و سیاست‌های حمایتی اختصاص دارد بحثی از منحنی لورنز و ضریب جینی به میان نیامده است؛ در حالی که به‌طور عادی خواننده انتظار دارد در کتاب درسی سطح کارشناسی مطالبی را در این موضوعات بیابد.

محور سوم ارزیابی کتاب حاضر درجه انطباق با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. طبعاً، کتاب گروبر و دیگر کتاب‌های تألیف‌شده متفکران مغرب‌زمین نمی‌تواند مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد. باین‌حال، نمی‌توان گفت کل مطالب چنین کتاب‌هایی در تضاد با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. از همین‌رو، چنین کتابی به‌عنوان ابزار آموزش قابل‌استفاده است. به‌ویژه در شرایطی که عمده کتاب‌های درسی تألیف‌شده به زبان فارسی نیز عموماً از نظر محتوایی ترجمه مستقیم یا غیرمستقیم همان کتاب‌های غربی هستند و هنوز اثر جامعی در حوزه مالیة عمومی که منطبق بر اصول و مبادی علوم اجتماعی اسلامی باشد یافت نمی‌شود. بدیهی است که در این شرایط وظیفه مدرسان سنگین‌تر خواهد بود. آنان باید بکوشند حداقل در مواردی که محتوای کتاب‌های درسی با ارزش‌های دینی یا بومی کشور ما در تضاد قرار دارد توضیحات لازم را در اختیار دانشجویان قرار دهند.

محور چهارم که شایسته است در ارزیابی آثاری از این دست مورد‌عنایت قرار گیرد میزان انطباق اثر با نیازها و الزامات اقتصاد ایران است. بر این اساس، باید به این سؤال پاسخ داد که اثر گروبر تا چه حد می‌تواند نیازهای دانشجویان رشته اقتصاد را در ایران برآورده کند. به‌نظر می‌رسد، آنچه دانشجوی اقتصاد در ایران بدان نیاز دارد از چهار مؤلفه تشکیل می‌شود. مؤلفه اول، آگاهی از نظریه اقتصاد بخش عمومی با تأکید نظریات به‌روز و معتبر است. کتاب گروبر در این مجال از بهترین کتاب‌هایی است که هم‌اکنون در دسترس است. مؤلفه دوم، آشنایی با تجربیات جهانی است. کتاب گروبر از این‌نشر نیز وضعیت قابل‌قبولی دارد. چنان‌که گفته شد، تأکید فراوان مؤلف بر مطالب کاربردی و مطالعات تجربی بر غنای نظری کتاب افزوده است. شاید مهم‌ترین ضعف کتاب گروبر در این مجال آن است که بخش زیادی از شواهد و نمونه‌های کاربردی و تجربی کتاب به اقتصاد ایالات متحده آمریکا اختصاص دارد؛ درحالی‌که مؤلف می‌توانست توجه بیش‌تری به سایر کشورهای جهان داشته باشد. مؤلفه سوم، آشنایی دانشجویان با اقتصاد بخش عمومی در اسلام است.^۸ بدیهی است که هیچ‌کدام از کتاب‌های درسی تألیف‌شده در مغرب‌زمین نمی‌توانند واجد چنین خصیصه‌ای باشند. این‌که کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی که در داخل کشور تألیف شده است تا چه حد توانسته در این مسیر موفق باشد نیاز به مقاله یا مقالات جداگانه دارد.^۹ مؤلفه چهارم، آشنایی دانشجویان با اقتصاد بخش عمومی در ایران و تحلیل عالمانه مسائل این بخش است. کتاب گروبر از این‌نظر خلاً جدی دارد. طبعاً، دور از ذهن است که انتظار داشته باشیم مؤلف این کتاب یا کتاب دیگری که در غرب تدوین شده است به اقتصاد ایران بپردازد، اما اگر گروبر به مسائل اقتصاد بخش عمومی در کشورهای

در حال توسعه اشاراتی می‌کرد بر غنای کتاب افزوده می‌شد. برای مثال، یکی از مسائل مشترک کشورهای در حال توسعه در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته مسئله ناتوانی عمومی دولت‌های در حال توسعه در اخذ مالیات و نسبت بالاتر فرار مالیاتی در این کشورهاست (Besley and Persson 2014). اگر گروبر در تألیف کتاب خود به مسائلی از این دست توجه می‌کرد، دانشجویان ایرانی می‌توانستند به‌نحو شایسته‌تری از کتاب استفاده کنند.^{۱۰}

محور پنجم، میزان انطباق اثر با سرفصل‌های مصوب درس اقتصاد بخش عمومی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. شایان ذکر است که اگرچه تلاش‌های ارزنده‌ای برای بازنگری عناوین و سرفصل‌های دروس رشته علوم اقتصادی در مقطع کارشناسی انجام شده است، اما تا زمان نگارش این مقاله هنوز عناوین و سرفصل‌های جدید به دانشگاه‌ها ابلاغ نشده است. از این رو، مبنای ارزیابی ما همان سرفصل‌های مصوب برنامه جاری است که عموماً در دهه ۱۳۶۰ شمسی و نیمه اول دهه ۱۳۷۰ شمسی بررسی و تصویب شده است. چنان‌که بر اساتید فن پوشیده نیست مسائل مربوط به اقتصاد بخش عمومی چه از بُعد بومی و چه از بُعد بین‌المللی تغییرات فراوانی را شاهد بوده است. برای مثال، در اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و پس از تأیید مقام معظم رهبری برای ابلاغ به قوای سه‌گانه ابلاغ شد. از آن پس، مباحث مربوط به خصوصی‌سازی در کانون توجهات سیاست‌گذاری مالیه عمومی در اقتصاد ایران قرار گرفت. در سطح بین‌المللی نیز موضوع بیمه‌های اجتماعی به دلایل گوناگون از جمله پیری جمعیت و بحران کسر منابع در برنامه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در کانون توجهات سیاست‌گذاران و به تبع مؤلفان کتاب‌های درسی مالیه عمومی قرار گرفته است؛ مشکلی که کشور ما نیز در آینده نزدیک با آن مواجه خواهد بود. رجوع به سرفصل‌های مصوب درس اقتصاد بخش عمومی نشان می‌دهد که در این سرفصل‌ها هیچ اشاره‌ای به مسئله خصوصی‌سازی و واگذاری مالکیت‌های دولت یا مسئله بیمه‌های اجتماعی نشده است. از این رو، سرفصل‌های مذکور معیار چندان مناسبی برای ارزیابی و نقد محتوای کتاب‌های درسی به‌روز از جمله کتاب گروبر نمی‌تواند باشد.

به‌هر حال، اگر بخواهیم محتوای کتاب گروبر را با سرفصل‌های مصوب درس اقتصاد بخش عمومی ۱ و ۲ رشته اقتصاد نظری مقایسه کنیم، ذکر چند نکته لازم است. سرفصل‌های مذکور را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول، مطالبی مانند تعریف فلسفه نبوت، امامت و رهبری در دین اسلام، ولایت فقیه، مالکیت، بهره‌برداری و حفاظت

از انفال، قاعده لاضرر و رهنمودهای پیامبر و ائمه صلوات الله علیهم در مورد قیمت گذاری است که مربوط به اقتصاد بخش عمومی در اسلام است. دسته دوم، مطالبی است که خاص اقتصاد ایران به ویژه در چهارچوب ترسیم شده در قانون اساسی ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران (بدون لحاظ سیاست های کلی ابلاغ شده در دهه ۱۳۸۰ از جمله سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) است. عناوینی مانند حدود اختیارات و وظایف دولت از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مالکیت و مدیریت صنایع سنگین، سازمان ها و نهادهای اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، یا جیره بندی سوخت خدمات و علت جیره بندی خدمات مذکور در جمهوری اسلامی ایران در این دسته جای می گیرد. بدیهی است، کتاب گروبر هیچ مطلبی که مرتبط با این دو دسته باشد ندارد. دسته سوم، مطالب مرسوم در کتاب های اقتصاد بخش عمومی از جمله مفهوم بهینه پارتو، کالاهای همگانی، نظریه مالیات ها، تحلیل هزینه - فایده طرح های عمومی و عناوینی از این دست است. کتاب گروبر عموم این عناوین را با تفصیلی بیش از آنچه در سرفصل های مصوب وزارت علوم آمده است پوشش می دهد. هرچند برخی عناوین مذکور در سرفصل های مصوب وزارت علوم که در دسته سوم جای می گیرد، مانند دلایل رشد اندازه بخش عمومی، در کتاب گروبر مورد بحث قرار نگرفته است.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادات

کتاب درسی *مالیه عمومی و سیاست عمومی* گروبر را می توان از موفق ترین کتاب های درسی اقتصاد بخش عمومی دوره کارشناسی دانست که پس از انتشار توانست با تکیه بر نقاط قوت خود جایگاه مناسبی در برنامه درسی دانشگاه های معتبر جهان به دست آورد. از نقاط قوت این کتاب می توان به رعایت استانداردهای صوری تألیف کتاب های درسی، به روز بودن اثر، تأکید قابل ملاحظه بر موضوعات کاربردی و مطالعات تجربی، نظم منطقی حاکم بر کتاب، بیان سلیس مطالب غامض اقتصاد بخش عمومی، و نیز گستره کم نظیر منابع مورد استفاده در تدوین کتاب اشاره کرد. با این حال، کتاب مذکور کاستی های مهمی نیز دارد. از جمله این کاستی ها می توان از تأکید بیش از حد بر رویکرد اقتصاد رفاه پارتویی و کم توجهی مفرط به رویکردهای بدیل مانند رویکرد رالز و آمارتیا سن، فقدان رویکرد تاریخی، توجه نکردن به نظریات اقتصاددانان غیر لیبرال مانند اقتصاددانان سوسیالیست، و کم توجهی به برخی مباحث علمی جدید مانند *مالیه عمومی رفتاری* یا *نظریه بازی ها* نام برد.

به‌علاوه، تطابق نداشتن محتوای کتاب با نیازهای اقتصادهای در حال توسعه از جمله اقتصاد ایران و نیز تناسب نداشتن آن با تعالیم اسلامی از دیگر کاستی‌های این اثر است. در مقام نتیجه‌گیری و پیش‌نهاد ذکر چند نکته مفید به‌نظر می‌رسد؛ اول، براساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب *مالیه عمومی و سیاست عمومی* گروبر با وجود همه نقاط قوت نمی‌تواند نیاز به تألیف کتاب‌های استاندارد و بومی آموزش *مالیه عمومی* را در ایران منتفی کند. در عین حال، بازگرداندن این کتاب به زبان فارسی به‌ویژه اگر در قالب ترجمه و تألیف و با افزودن نیازها و اقتضات آموزش *مالیه عمومی* در ایران باشد اقدامی مفید و گامی روبه‌جلو خواهد بود. دوم، از بررسی محتوای کتاب‌های درسی جدید اقتصاد بخش عمومی در مقطع کارشناسی از جمله کتاب گروبر (در کنار توجه به تحولات انجام گرفته در اقتصاد ایران در دو دهه اخیر) می‌توان نتیجه گرفت که سرفصل‌های مصوب اقتصاد بخش عمومی در برنامه آموزشی کنونی دوره کارشناسی علوم اقتصادی نیاز به بازبینی جدی دارد. برای مثال، در سرفصل‌های کنونی مسائل مرتبط با بیمه‌های اجتماعی از جمله بیمه‌های بازنشستگی و بیمه‌های سلامت و نیز مسائل مرتبط با خصوصی‌سازی و گذار به سازوکار بازار مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که مباحث مرتبط با بیمه‌های اجتماعی و توزیع درآمد امروزه نزدیک به یک‌سوم حجم کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی را به خود اختصاص می‌دهد. از این رو، شایسته است که در بازنگری‌های آتی وزن مناسب و قابل توجهی به این موضوعات داده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از این پس، همه ارجاعات مقاله به همین ویرایش کتاب گروبر است.
۲. برای آگاهی بیشتر از این انتقادهای بنگرید به: Hausman and McPherson 2006: Chapters 8-9؛ عربی ۱۳۸۷.
۳. کتاب‌های قدیمی‌تر مانند کتاب ماسگریو و ماسگریو از چهارچوب متفاوتی پیروی می‌کنند. برای مثال، در کتاب مذکور فقط یک فصل به موضوع بیمه‌های اجتماعی و برنامه‌های حمایت از فقرا اختصاص یافته است و بیش از نیمی از حجم کتاب درباره مالیات‌ها سخن می‌گوید؛ بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد ساختار کتاب‌های درسی *مالیه عمومی* به‌طور مشهودی تغییر یافته است (Musgrave and Musgrave 1989).
۴. شایان ذکر است که این نقد اختصاص به کتاب گروبر ندارد و تقریباً تمام کتاب‌های درسی شناخته‌شده اقتصاد بخش عمومی را در برمی‌گیرد.

۵. برای آگاهی از نظریات اقتصاددانان غیرلیبرال درباره دولت و نقش آن در اقتصاد سرمایه‌داری بنگرید به کلارک ۱۳۸۹.

۶. برای آشنایی با تاریخ مباحث اقتصاد بخش عمومی بنگرید به Musgrave 1985; Read 2016.

۷. برای آشنایی با این مشاجرات بنگرید به Buchanan and Musgrave 1999.

۸. بدیهی است که نیازهای علمی دانشجویان در دانشگاه‌های مذهبی کشور یا در رشته اقتصاد اسلامی فراتر از آشنایی صرف با اقتصاد بخش عمومی در اسلام است. دانشجویان این دانشگاه‌ها در مجموعه دروس فقه و سیره تاحد قابل‌قبولی با موضوع اقتصاد بخش عمومی در اسلام آشنا می‌شوند. برای مثال، دانشجو در ضمن درس فقه می‌تواند تاحدی با احکام مالیات‌های شرعی مانند خمس و زکات آشنایی پیدا کند و یا در قالب درس سیره با سیره رسول اکرم (ص) در اخذ زکات و هزینه‌کرد آن آشنا شود. آنچه در نگاه مطلوب مورد نیاز دانشجویان مذکور است سطح قابل‌قبولی از تلفیق است که بتواند به مسائلی مانند جایگاه مالیات‌های شرعی در تأمین مالی حکومت اسلامی در عصر معاصر پاسخ دهد.

۹. از جمله منابع درسی‌ای که می‌تواند در رفع این کاستی مهم در بسیاری از کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی مؤثر باشد می‌توان به این موارد اشاره کرد: آقائزری و گیلک حکیم‌آبادی ۱۳۸۲.

۱۰. این در حالی است که در کتاب درسی ماسگریو و ماسگریو که یکی از مشهورترین کتاب‌های درسی مالیه عمومی در دهه‌های پایانی قرن بیستم بود یک فصل (فصل ۳۴) به موضوع تأمین مالی توسعه اختصاص یافته است (Musgrave and Musgrave 1989).

کتاب‌نامه

آقائزری، حسن و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۸۲)، *نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

عربی، سیدهادی (۱۳۸۷)، «از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری (بنیان‌های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه)»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵۷ (۱۴).

کلارک، باری (۱۳۸۹)، *اقتصاد سیاسی تطبیقی*، ترجمه عباس حاتمی، تهران: کویر.

Arrow, K. (1951), *Individual Values and Social Choice*, New York: Yale University Press.

Besley, T., and T. Persson (2014), "Why Do Developing Countries Tax So Little", *The Journal of Economic Perspectives*, vol. 28 (4).

Buchanan, J. M., and R. A. Musgrave (1999), *Public Finance and Public Choice: Two Contrasting Visions of the State*, Cambridge: MIT Press.

Gayer, T., and H. Rosen (2013), *Public Finance*, New York: McGraw-Hill Education.

- Gruber, J. (2004), *Public Finance and Public Policy*, New York: Worth Publishers.
- Gruber, J. (2012), *Public Finance and Public Policy*, New York: Worth Publishers.
- Gruber, J., and D. A. Wise (2009), *Social Security Programs and Retirement Around the World: Fiscal Implications of Reform*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hausman, D. M., and M. S. McPherson (2006), *Economic Analysis, Moral Philosophy and Public Policy*, London: Cambridge University Press.
- Hicks, J. R. (1939), "The Foundations of Welfare Economics", *The Economic Journal*, vol. 49 (196).
- Hindriks, J., and G. D. Myles (2013), *Intermediate Public Economics*, Cambridge: MIT Press.
- Kaldor, N. (1939), "Welfare Propositions of Economics and Interpersonal Comparisons of Utility", *The Economic Journal*, vol. 49, no. 195.
- Musgrave, R. A. (1985), "A Brief History of Fiscal Doctrine", *Handbook of Public Economics*, vol. 1, London: Elsevier.
- Musgrave, R. A., and P. B. Musgrave (1989), *Public Finance in Theory and Practice*, New York: McGraw-Hill Book Co.
- Nussbaum, M. C. (2001), *Women and Human Development: The Capabilities Approach*, vol. 3, London: Cambridge University Press.
- Nussbaum, M. C. (2003), *Upheavals of Thought: The Intelligence of Emotions*, London: Cambridge University Press.
- Pigou, A. C. (1920), *The Economics of Welfare*, New York: Palgrave Macmillan.
- Rawls, J. (1971), *A Theory of Justice*, London: Oxford University Press.
- Read, C. (2016), *The Public Financiers: Ricardo, George, Clark, Ramsey, Mirrlees, Vickrey, Wicksell, Musgrave, Buchanan, Tiebout, and Stiglitz*, New York: Palgrave Macmillan UK.
- Robbins, L. (1932), *The Nature and Significance of Economic Science*, New York University Press.
- Robbins, L. (1935), *An Essay on the Scope and Nature of Economic Science*, London: McMillan.
- Rosen, H. S. (2002), *Public Finance*, New York: McGraw-Hill.
- Samuelson, P. A. (1954), "The Pure Theory of Public Expenditure", *The Review of Economics and Statistics*, vol. 36, no. 4.
- Samuelson, P. A. (1955), "Diagrammatic Exposition of a Theory of Public Expenditure", *The Review of Economics and Statistics*, vol. 37, no. 4.
- Sen, A. K. (1992), *Inequality Reexamined*, Russell Sage Foundation.
- Stiglitz, J. E. (2000), *Economics of the Public Sector*, New York: W.W. Norton.
- Stiglitz, Joseph, E., and K. Jay Rosengard (2015), *Economics of the Public Sector: Fourth International Student Edition*, New York: W. W. Norton & Company.